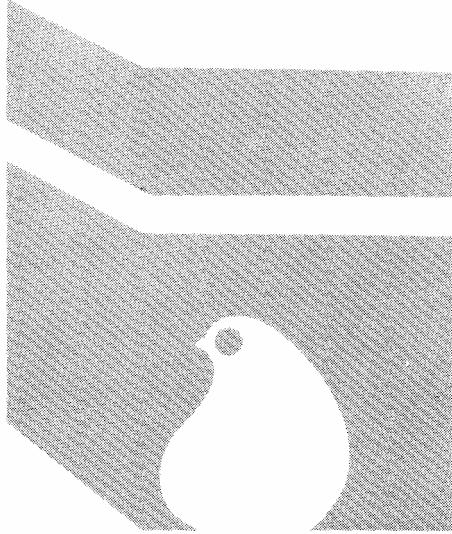


گزارش یک سفر

# پزشکی در حج

«قسمت آخر»



داروساز و دو نفر تکنیسین داروئی به مراجعه کنندگان سرویس می‌دادند.

تعداد ۲۵۰ قلم دارو در داروخانه وجود داشت که همانگونه که قبل‌آن نیز مذکور شدم، تماماً از ایران آمده بود. باستی گفته شود که گروه داروئی هیئت پزشکی حج یکی از منظم‌ترین گروههای کاری بود، بطوری که حتی یکبار هم نشد که شیفت‌کاری داروخانه بموضع سرکار حاضر نباشد. دارو به مقدار کافی وجود داشت و بیماران از این بابت مشکلی نداشتند. اگر مشکلی هم در مورد داروئی پیش می‌آمد، به این دلیل بود که پزشک مربوطه داروئی را خارج از وامدکوم تجویز کرده بود که آنهم در صورت نیاز واقعی و تأیید مسئول داروخانه و رئیس بیمارستان از داروخانه‌های عربستان سعودی خریداری می‌شد.

لیست کسری‌های داروخانه هر روز تهیه می‌شد و توسط یکی از تکنیسینهای داروئی از انبار تحويل گرفته و در قفسه‌های داروخانه قرار می‌گرفت.

## پیشگفتار:

چگونگی طبابت در بیمارستان مدینه و اصولاً تشکیلات پزشکی در این شهر را در قسمت قبل بررسی کردیم. قسمتهای مختلف بیمارستان و همچنین جو حاکم بر بیماران مراجعه کننده به بیمارستان را مورد ارزیابی قرار دادیم. اینک مطلب را با مروری بر چگونگی اداره داروخانه بیمارستان مدینه دنبال می‌کنیم:

## تذکر:

قبل از ورود به بخش دیگر، ذکر این نکته ضروری است که داروخانه بیمارستان مدینه منوره شامل سه نفر دکتر داروساز و شش نفر تکنیسین داروئی بود که رویهم رفته سه شیفت‌کاری را تشکیل می‌دادند. کار در داروخانه و اصولاً هیئت پزشکی حج بصورت شبانه‌روزی بود و در طول شب‌انه‌روز یک نفر دکتر

کنترل نسخه‌ها کلاً به عهده دکتر داروساز بود و از این بابت مشکل خاصی بین پزشکان و داروخانه وجود نداشت. دارو کلاً بوسیله نسخه ارائه می‌شد، ولی بدلیل راه انداختن کار بیماران و کاستن از بار مراجعه کنندگان به پزشک، داروهای OTC بدون نسخه نیز ارائه می‌شد و بطور متوسط روزانه ۱۰۰ الی ۱۵۰ مورد داروی OTC در اختیار بیماران قرار می‌گرفت.

تعداد نسخه‌ها از روزی یکصد نسخه در ابتدای کار شروع و به ۱۸۰۰ نسخه در اوج حضور زائرین در مدینه منوره افزایش یافت. به تدریج که حجاج مدینه را ترک می‌کردند، تعداد نسخه‌ها نیز کاهش می‌یافتد تا جائی که در انتهای حضورمان در مدینه منوره روزانه ۳۰۰ الی ۴۰۰ نسخه داشتیم.

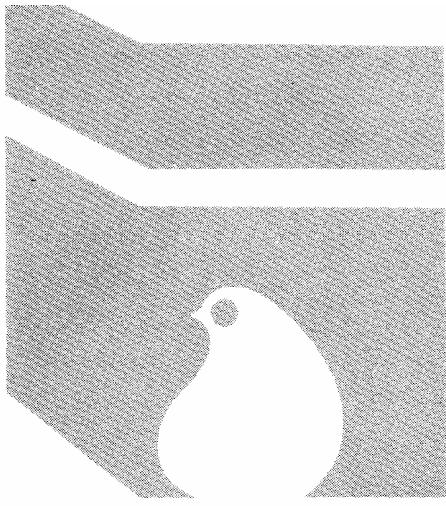
### ب - بیماران خارجی:

اگر چه ویزیت شدن بیماران خارجی در بیمارستان هیئت پزشکی حج جای پائی از جمهوری اسلامی در بین دیگر ملل مسلمان بخصوص قشر مستضعف عربستان سعودی را بهمراه دارد، لیکن عدم آشنائی کادر درمانی با زبان عربی (اکثر مراجعه کنندگان عرب زبان هستند) و عدم وجود مترجم، باعث می‌شود که تلاش کادر درمانی برای صدور انقلاب اسلامی از طریق دارو درمانی عملأً ابترا بماند. چرا که درمان علامتی در مورد این بیماران باشد پیشتری صورت می‌گیرد و عدم هم‌زبانی نیز باعث می‌شود یک نفر حداقل پنج شش بار به پزشک مراجعه کند و دست آخر هم آنچه را که می‌خواهد نیابد.

البته در میان بیماران خارجی تنها بیماران افغانی هستند که بواسطه آشنائی دست و پا شکسته با زبان فارسی کمتر از دیگران مشکل دارند. کادر داروخانه نیز از همان روزهای اول، دستورات

### ۸- بهداشت:

شاید رعایت مسائل بهداشتی آنهم در محیط عربستان سعودی با چیزی نزدیک به دو میلیون زائر از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده و می‌تواند در کاهش بیماریها نقش بسزایی داشته باشد. گروه بهداشت را از بشکه‌های «کُلر» در جلوی محل



دیده می شد، چرا که بارها مسئول گروه بهداشت را دیدم که با چند نفری دیگر سوار بر مینی بوس بهداشت شده و جهت کارهای دیگری غیر از کار بهداشتی راهی خیابانهای مکه بودند.

لازم به تذکر است که گاه گداری خیابان‌های اطراف هیئت پزشکی نیز برای خالی نبودن عرضه بوسیله گروه بهداشت کلرپاشی می شد. ولی علی‌رغم این مسأله، داخل خوابگاه و بخصوص دستشوئی‌ها، حمامها و توالتها از کیفیت بهداشتی مطلوبی برخوردار نبود.

#### پایان مدینه منوره:

از سیزدهم خردادماه تقریباً تک و توک مریض داشتیم و بخشهای بیمارستان یکی یکی تعطیل می شد. بیماران بستری را که حالشان بهتر بود مرخص می‌کردند و بیماران نسبتاً بدحال را با آمبولانس و به همراه گروهی از اعضای بیمارستان به مکه مکرمه منتقل می نمودند. سرانجام در روز جمعه پانزدهم خردادماه سال ۷۱، ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر عازم مسجد شجره شدیم تا پس از مُحمر شدن به مکه مکرمه برویم. ساعت ۵/۳۰ بامداد روز شنبه شانزدهم

استقرارشان شناختم. کاروانها معمولاً برای دریافت «کُلر» و ضد عفونی کردن (عدمتای) آب آشامیدنی به گروه بهداشت مراجعه می کردند. عدمه کارشان واکسیناسیون مربوط به واکسن منثیت برای کسانی بود که در تهران واکسینه نشده بودند. علی‌رغم توصیه‌های مکرر در مورد واکسن منثیت و تذکر این نکته که هر کس واکسن نزدیک باشد از خروجش جلوگیری می شود، ولی باز هم بودند کسانی که جهت تزریق واکسن منثیت به گروه بهداشت مراجعه می کردند. گروه بهداشت افرادی را نیز جهت رعایت مسائل بهداشتی به کاروانها اعزام می کرد که از کم و کیف نظرات آنها خیلی اطلاع ندارم، ولی تنها این نکته را می دانم که خیلی از کاروانها این نظرات را بیشتر تشریفاتی می دانستند، چرا که کاروانها بدليل تجربه کاری که داشتند، خودشان در حد متعارف رعایت مسائل بهداشتی را می کردند و شاید نیازی به مراقبت بهداشتی نبود. شاهد این مدعای نیز عدم مراجعه زائرین کاروانها به دلیل بیماریهای ناشی از عدم مراقبت بهداشتی بود. اگر هم تعدادی به این دلیل مراجعه می کردند، آنقدر نبودند که حکایت از شکل حادی باشد. از همان روزهای اول متوجه شدم که گروه بهداشت حتی یک قلم داروی بهداشتی از قبیل شامپو و لوسيون گاما بینز، محلول بنزیل بنزووات، لوسيون کلامین، صابون سوفر، آمپول گلوكاتیم و ... را با خود نیاورده و گروه بهداشتی که بایستی سرویس دهی به بیماریهای بهداشتی از قبیل گال، لیشمانيوز و ... را که به وفور یافت می شد را داشته باشد عملاً مانند سرباز بدون اسلحه بود. خلاصه تنها تحرکی را که از گروه بهداشت می دیدم ماشینی بود که در اختیار گروه بود و بارها دیدم که این ماشین بیشتر در خدمت افراد گروه بهداشتی جهت کارهای شخصی قرار داشت تا در اختیار مسائل بهداشتی کاروانها و هیئت پزشکی حج باشد. البته این مطلب بیشتر در مکه

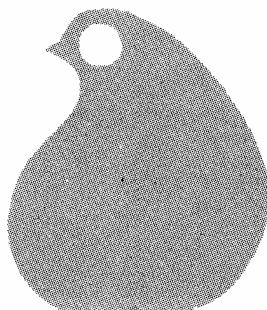
هشتم ذیحجه، گروههای پیشتاز یعنی گروههای که می‌بایستی بیمارستان صحرائی عرفات را برپا می‌کردن، راهی عرفات شدند و وقتی ما به عرفات رسیدیم، بیمارستان و خوابگاه که همگی در زیر چادر بودند، برپا شده بود. به محض ورود به عرفات وارد داروخانه بیمارستان که در زیر چادری قرار داشت وارد شدیم. هنوز مريض نداشتم، زیرا زائرین وارد عرفات نشده بودند. ولی از حدود ساعت هشت و نه شب سرو کله بیماران پیدا شد. شب عرفه تقریباً مريض چندانی نداشتم و تعداد نسخه‌ها محدود بود، ولی مرتب و تک‌تک زائرین نسخه بدست مراجعه می‌کردند. از صبح عرفه هجوم بیماران شروع شد. این نکته را هم متدکر شوم که در کنار بیمارستان هیئت پزشکی حج، یک درمانگاه نسبتاً بزرگ سعودی همراه با یک داروخانه که حدود سی چهل قلم داروی خارجی داشت نیز وجود داشت که ما مجبور شدیم افراد داروخانه را به دو گروه تقسیم کنیم. یک گروه در داروخانه بیمارستان هیئت پزشکی به بیماران سرویس می‌دادند و یک گروه نیز در داروخانه درمانگاه سعودی که یک نفر مسئول خارجی داشت کار می‌کردند.

هوای خنک داخل درمانگاه سعودی همراه با داروهای خارجی موجود در داروخانه آن، دهان اکثر زوار حتی بعضی از کارکنان کادر درمانی هیئت پزشکی را آب انداخته و شلوغی عجیبی را بوجود آورده بود. البته این مسأله از شلوغی داروخانه بیمارستان هیئت پزشکی کم نکرده بود. از صبح روز عرفه تا غروب که در عرفات بودیم حدود ۹۰ نسخه داشتم که در آن هوای گرم عرفات که چیزی نزدیک به ۶۰ درجه بالای صفر بود، سه نفر دکتر داروساز و پنج نفر تکنیسین دائمًا مشغول سرویس دهی به بیماران بودند. البته تقریباً تمام بخش‌های بیمارستان بخصوص بخش گرمایشگی فعال بودند و شلوغ، و در آن گرمایی

خرداد ماه پس از حدود ۸ ساعت طی طریق وارد خوابگاه بیمارستان مکه مکرمه پیاده شدیم. از همان ابتدای ورود به خوابگاه، نبودن آب حکایت از بی‌نظمی در تشکیلات مکه مکرمه می‌داد، تا جائی که خیلی‌ها در داخل دستشویی‌ها بدون آب مانده بودند. پس از صرف صبحانه با یک اتوبوس راهی حرم شدیم تا در کنار کعبه اعمال عمره تمتع را بجا آوریم و از احرام خارج شدیم. پس از پایان مراسم، علی‌رغم قراری که اتوبوس گذاشته بود، اثربی از اتوبوس نبود و مجبور شدیم با مینی‌بوس‌های سعودی راهی خوابگاه شویم و چون در موقع آمدن به ما گفته بودند پول با خود نبریم با مشکلات زیادی مواجه شدیم که تقریباً صدای همه درآمده بود و دومین تیر بی‌نظمی در تشکیلات مکه مکرمه شلیک شده بود. به هر حال چون یکی از افراد با خود پول آورده بود، کرایه بقیه را حساب کرد و در موقع نهار اعلام کردند که افراد برای کرایه آنروز به مدیر کاروان مراجعه کنند و قضیه تقریباً فیصله یافت. چون از ورود مابه مکه مکرمه تا شروع اعمال اصلی حج یعنی عرفات و مشعر و منی که چهار روز بطول می‌انجامید، زمان زیادی باقی نمانده بود، لذا رسمآکار را در داروخانه شروع نکردیم و به صورت کمکی با تیم داروئی مکه مکرمه همکاری داشتم تا سرانجام در بعد از ظهر روز نوزدهم خردادماه راهی عرفات شدیم.

## عرفات:

از صبح روز نوزدهم خرداد ماه سال ۷۱، یعنی روز



۱۲ کیلومتر راه بود که پیاده حدود ۲ ساعت طول می‌کشید. به ما توصیه کردند که از ماشین پیاده نشویم. چون ماشینها روباز بودند از نظر گرگما مشکلی نداشتیم ولی محشر کبرای اتوبوس بود و بوی دود و گازوئیل بیداد می‌کرد، تا جائی که تعدادی مسموم شدند. در هر حال ۲۱ کیلومتر راه را با اتوبوس حدود هفت ساعت طی کردیم و ساعت ۴ با مدد وارد مشعر شدیم. خوشبختانه وقوف قبل از اذان صبح را در مشعر درک کردیم. پس از اذان صبح می‌بایستی تا طلوع آفتاب در مشعر می‌ماندیم تا وقوف مشعر را به عنوان یکی از اعمال حج تمتع انجام دهیم. حدود ساعت ۴/۳۰ صبح جهت انجام نماز صبح از اتوبوس خارج شدیم. پس از ادائی نماز صبح و جمع آوری سنگ جهت رمی‌جمرات، اتوبوس را گم کردیم و مجبور شدیم بقیه راه را پیاده طی کنیم.

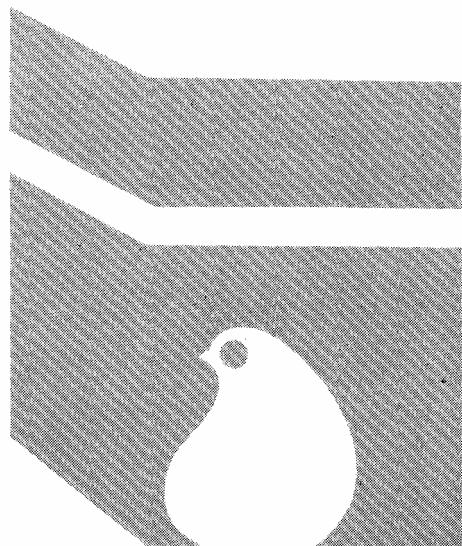
#### در منی:

حوالی طلوع آفتاب صبح روز عید قربان در حد بین مشعر و منی توقف کردیم تا پس از طلوع آفتاب وارد منی شویم. حدود ساعت ۶ صبح روز عید قربان وارد منی شدیم و حدود ساعت ۷/۳۰ صبح در خوابگاه هیئت پزشکی بودیم. بیمارستان هیئت پزشکی در منی نیز بیمارستان صحرائی بود و کلیه درمانگاهها و داروخانه در زیر چادر قرار داشتند.

یک نکته را تذکر دهم و آن اینکه از زمان حرکت از مکه به سوی عرفات جهت انجام اعمال حج تمتع محرم شدیم و چهار روزه عرفات و مشعر و منی را تا قبل از رمی‌جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر (برای بار دومنی‌ها) با لباس احرام بودیم و با همان لباس به بیماران سرویس می‌دادیم.

پس از خوردن صبحانه در منی در روز عید قربان راهی مکان استقرار جمرات جهت رمی‌جمره عقبه

عرفات کادر درمانی بیمارستان دائماً در تلاش برای سرویس‌دهی بهتر به بیماران بودند. گرچه آمار درمانگاه سعودی که پزشکان ایرانی آنرا اداره می‌کردند دقیقاً مشخص نیست، ولی اگر بیشتر از آمار بیمارستان خودمان نباشد، قطعاً کمتر نیست. البته این را یادآور شوم که کادر درمانگاه‌های هیئت پزشکی در عرفات نیز داخل کانتینرهای سعودی مستقر بودند و به بیماران سرویس می‌دادند. چون در عرفات تنها وقوف داشتیم، مشکل



خاصی پیش نیامد و پس از نماز مغرب و عشاء در روز نهم ذیحجه (روز عرفه) سوار اتوبوسها شدیم و بسوی صحرای مشعر حرکت کردیم.

#### در راه مشعر و وقوف در مشعر:

ساعت ۹ شب سوار بر اتوبوسها شدیم و حدود ساعت ۹/۳۰ بعد از اینکه کیسه‌ای حاوی مقداری میوه و نان و پنیر و حلوا ارده بعنوان شام به ما دادند، به سوی مشعر حرکت کردیم. از عرفات تا مشعر حدود

گرفت. هر طور بود ۴۸ ساعت منی را پشت سر گذاشتم. البته این راه هم یادآوری کنم که همه کادر درمانی هیئت پزشکی زحمت می‌کشیدند. تا جایی که یکی از پزشکان می‌گفت: در یک شیفت کاری سه ساعته چیزی نزدیک به ۹۰۰ بیمار را ویزیت کرده است. البته فقط کار را انداختن بود تا درمان، چرا که هم ازدهام مریض زیاد بود و هم بیماران، بیمار واقعی نبودند. اکثر آنکارشان با یک بسته ORS یا چند عدد قرص دی‌فونوکسیلات یا آمپولهای B<sub>12</sub> و B کمپلکس راه می‌افتداد. تعداد نسخه‌ها در ۴۸ ساعته منی به ۶۰۰ عدد رسید که بنا بر گفته کسانیکه سال قبل هم آمده بودند، دو برابر سال پیش بود. برای اینکه از کار در داروخانه باز نمانیم روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌حججه بعد از نماز صبح عازم رمی‌جمرات می‌شدیم. روز دوم در رمی‌جمرات و در اولین جمره در اثر ازدهام مسلمین، عینکم گم شد و با مشکلات زیاد جمرات را بکمک دوستان رمی‌کردم و در داروخانه از عینک یکی از همکاران که شماره‌اش نزدیک شماره عینک من بود استفاده کردم تا از سرویس‌دهی به بیماران عقب نمانم. از ساعت حدود یازده صبح روز دوازدهم ذی‌حججه، رفته رفته کار افت کرد و گروه داروئی مدینه جهت تحويل گرفتن داروخانه بیمارستان مکه مکرمه حوالی ساعت دوازده عازم مکه شد. در حد منی و مکه توقف کردیم و پس از اذان ظهر وارد حریم مکه شده و پیاده راهی بیمارستان مکه مکرمه شدیم.

### مجدداً در مکه:

در بعد از ظهر روز مراجعت از منی در داروخانه بیمارستان مکه مکرمه مستقر شدیم و بعد از شیفت‌بندي مجدد پرسنل، کار را رسماً آغاز کردیم. گروه داروئی مکه مکرمه نیز در روز ۲۴ خرداد ماه سال ۷۱ راهی مدینه منوره شدند تا کار را در آنجا آغاز

شدیم. دریائی از جمعیت در راه بود. گوئی همه مسلمانان جهان برای انجام اعمال حج به این مکان آمده بودند. واقعاً راه برای رفتن نبود. یک راه ۱۵ دقیقه‌ای را حدود ۱/۵ ساعت طی کردیم و در بین دریای انسانها برای رمی‌جمره عقبه غرق شدیم و در حالی که عرق‌ریزان، لباس احرام‌مان خیس بود، جمره عقبه را رمی‌کردیم و راهی بیمارستان هیئت پزشکی شدیم. مستقیم به داروخانه رفیم و پس از استراحتی اندک برای قربانی کردن راهی قربانگاه شدیم. در قربانگاه دریائی از گوسفند قربانی شده بود. زمین قربانگاه پیدا نبود و انگاری که با گوسفند ذبح شده کف قربانگاه را فرش کرده بودند و در حالی که پا روی گوسفندهای کشته شده می‌گذاشتم از قربانگاه عبور کردیم و پس از انتخاب گوسفند سالم و قربانی کردن آن، مجدداً راهی بیمارستان شدیم. یک راست به سراغ دوشها رفیم و در جلوی دوشها، من چون سال دوم مشرف شدم بود (بار اول را با هیئت پزشکی نبودم) تقصیر کردم و شروع به حلق کردن بچه‌های همراه شدم (حلق کردن به تراشیدن موی سر بوسیله تیغ می‌گویند). پس از این مرحله از احرام خارج شدیم و پس از دوش گرفتن و پوشیدن لباس معمولی، ناهار را صرف کردیم و راهی داروخانه شدیم. تمام کادر داروئی بیمارستان مکه و مدینه در داروخانه منی حاضر بودند. هنگامهای از هجوم بیمار برای دریافت نسخه بود. از بخشهاي بیمارستان، بخش گرمایشگی کار و بارش سکه بود و ازدهام عجیبی بود. گرمای منی حدود ۶۰ درجه بالای صفر در حوالی ظهر بود، چهار نفر دکتر داروساز و شش نفر تکنیسین تقریباً در تمام ۴۸ ساعت حضور در منی به بیماران سرویس داروئی می‌دادند. محشر کبرایی از جمعیت بود. ازدهام در جلوی داروخانه به حدی بود که صدا به صدای رسانی رسید. آنقدر بیماران را با صدای بلند صدا زدیم که گلوبیمان

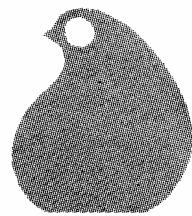
به رحال طبق تأیید همه بچه‌های هیئت پزشکی،  
همه چیز در مدینه مرتب‌تر و بهتر از مکه بود و این  
مسئله برای همه قابل لمس بود. به رحال هر چه بود  
گذشت و در روز پنجم تیرماه عازم جده شدیم تا با  
پرواز ۱۴۷۵ در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ششم تیرماه  
سال ۱۳۹۶ طبق برنامه قبلی عازم تهران شویم. این مرحله  
نیز به رتیریب گذشت و بعد از چهل و پنج روز کار  
همراه با زیارت وارد فرودگاه مهرآباد تهران شدیم.

#### تکمله:

علیرغم مسائلی که در این گزارش عنوان شد و با  
وجود نعمه‌هایی که برای تغییر در نوع سرویس‌دهی  
درمانی به حاجج و منحل کردن هیئت پزشکی حج  
عنوان می‌شد، وجود هیئت پزشکی حج به شکل فعلی  
ولی بصورت منسجم از ضروریات حج است و بایستی  
این هیئت بصورتی پخته و جا افتاده باقی بماند، منتهای  
مراتب اگر سازمان‌دهی آن و نظم حاکم بر آن بهتر و  
بیشتر شود قطعاً از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد  
بود.

در خاتمه امیدوارم که وزارت بهداشت، درمان و  
آموزش پزشکی که متولی این کار است، این نکته را  
مد نظر داشته باشد تا در سالهای آتی کمتر مشکل  
داشته باشیم.

ضمناً مسئله سرویس‌دهی مجانی نیز خود مزید  
برعلت است که اگر بتوان فکری برایش کرد، قطعاً از  
مراجعات بدون دلیل و از سر تفنن جلوگیری خواهد  
شد.



نمایند.

در روزهای اول کار ازدهام عجیبی بود. روزانه حدود ۱۶۰۰ عدد نسخه داشتیم. ولی به مرور که گروهی از کاروانها به جده جهت اعزام به تهران می‌رفتند و گروهی راهی مدینه منوره می‌شدند، بیمارستان نیز مراجعه کننده کمتری داشت و بالطبع آن داروخانه نیز روز به روز مراجعه کننده کمتری داشت، تا جائی که در روزهای اول تیرماه تقریباً روزانه چیزی در حدود ۲۵۰ نسخه داشتیم. مانند مدینه به تدریج بخش‌های مختلف بیمارستان تعطیل می‌شد و سرانجام داروخانه نیز در روز چهارم تعطیل شد. در خلال کار، اعمال واجب را هم انجام دادیم و حاجی شدیم. البته ظاهراً بعد از اعمال همه حاجی می‌شوند ولی در طول مدت کار در داروخانه بیمارستان مدینه منوره و مکه مکرمه حرکاتی از بعضی زائرین دیدیم که حاجی شدن‌شان و اصولاً سفر زیارتی آمدن‌شان را زیر سوال می‌برد. امید است که خداوند حج همه را مورد قبول درگاهش قرار دهد.

در مجموع شکیلات مدینه منوره از نظم بیشتری نسبت به مکه مکرمه برخوردار بود و سرویس‌دهی بخصوص از طرف کاروان در مدینه اصلاً قابل مقایسه با مکه نبود. هر چه سرویس‌دهی کاروان در مدینه منوره خوب و منظم بود و برخوردها منطقی، در مکه سرویس‌دهی کاروان از کیفیت خوبی برخوردار نبود و برخوردها نیز بدور از منطق بود. این مسئله در مورد سرویس‌دهی ماشینها نیز صادق بود. چون بیمارستان مکه مکرمه از حرم خیلی دور بود و می‌بایستی حتماً با ماشین می‌رفتیم. لذا شبها ماشین برای حرم بود ولی اکثرآ در اختیار گروه خاصی قرار داشت. حتی برای انجام عمره مفرده و رفقن به مسجد تعمیم برای محروم شدن، کسانی بودند که سه بار رفته بودند و کسانی نیز یکبار هم نرفتند.